سید علی محمد شیرازی
ملقب به باب

مصطفی حسینی طباطبایی



بسم الله الرحمن الرحیم

سید علی محمد شیرازی (ملقب به باب)

نویسنده:

مصطفی حسینی طباطبائی

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سید علی محمد شیرازی (ملقب به باب)

مشخصات کتاب

مؤلف: مصطفی حسینی طباطبائی

دانشنامه جهان اسلام

برگرفته از:

سید علی محمد شیرازی (ملقب به باب)

از مـدعیان بابیت امام دوازدهم شـیعیان که بعدها مدعی مهدویت و نبوت شد در ۱۲۳۵ در شـیراز به دنیا آمد. در کودکی به مکتب شیخ عابد رفت و در آنجا خواندن و نوشتن و سیاه مشق آموخت. شیخ عابد، از شاگردان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بود (اشراق خاوری، ص ۶۳ – ۶۴) و از همان دوران، سید علی محمد را با نام رؤسای شیخیه (احسائی و رشتی) آشنا کرد، به طوری که چون سـید علی محمـد در نوزده سالگی به کربلا رفت، در درس سـید کاظم رشتی حاضـر شد (فاضل مازندرانی، ظهورالحق، ج ۳، ص ۹۷). در مدتی که نزد سـید کاظم رشتی شاگردی می کرد، با مسائل عرفانی و تفسـیر و تأویل آیات و احادیث و مسائل فقهی به روش شـیخیه آشنا شد و از آرای شیخ احمد احسائی آگاهی یافت (همو، اسرار الآثار خصوصی، ج ۱ ص ۱۹۲ – ۱۹۳). به علاوه به هنگـام اقـامت در کربلاـ از درس ملاصادق خراسانی که او نیز مـذهب شـیخی داشت، بهره گرفت و چنـدی نزد وی بعضـی از کتب ادبی متداول آن ایام را خواند (همو، اسـرار الآثار،ج ۴، ص ۳۷۰). در ۱۲۵۷ به شـیراز برگشت و به وقت فرصت، مطالعه کتب دینی را فرامـوش نمی کرد و به گفته خـودش (همـو، ظهورالحـق، ج ۳، ص ۴۷۹): و لقـد طالعت سـنابرق جعفر العلوی و شاهـدت بواطن آیاتها «همانا کتاب سـنابرق، اثر سـید جعفر علوی (مشهور به کشفی) را خواندم و باطن آیاتش را مشاهده کردم» علی محمد گذشته از دلبسـتگی به اندیشه های شـیخی و باطنی، به «ریاضت کشـی» نیز مایل بود و به هنگام اقامت در بوشـهر در هوای گرم تابسـتان از سپیده دم تا طلوع آفتاب و از ظهر تا عصـر بر بام خانه رو به خورشید اورادی می خواند (اشراق خاوری، ص ۶۷). پس از درگذشت سیـد کـاظم رشتی، مریـدان و شـاگردان وی، جانشـینی برای وی می جسـتند که به قول ایشـان مصـداق «شـیعه کامل» یا «رکن رابع» (شـیخیه) باشد و در این باره میان چند تن از شاگردان سـید کاظم رقابت افتاد و علی محمد نیز در این رقابت شرکت کرد، بلکه پای از جانشـینی سـید رشتی فراتر نهـاد و خود را «باب» امام زمان علیه السـلام یا «ذکر» او، یعنی واسـطه میان امام و مردم، شـمرد. ادعای علی محمـد چون شـگفت آورتر از دعـاوی سایر رقیبان بود، واکنش بزرگتری یافت و نظر گروهی از شـیخیان را به سوی وی جلب کرد و هجـده تن از شاگردان سـید کاظم که همگی شـیخی مـذهب بودنـد (و بعـدها سـید علی محمـد آنها را حروف «حی» نامیـد) پیرامونش را گرفتنـد (آیـتی، ج ۱، ص ۴۳). علی محمـد در آغـاز امر، بخش هـایی از قرآن کریم را با روشـی که از مکتب شـیخیه آموخته بود، تأویل کرد و در آنجا به تصـریح نوشت که امام دوازدهم شـیعیان او را مأمور داشته تا جهانیان را ارشاد کند و خویشتن را «ذکر» نامید، چنان که در آغاز تفسـیرش بر سوره یوسف می نویسد: الله قد قدر ان یخرج ذلک الکتاب فی تفسـیر احسن القصص من عند محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علی عبده لیکون حجه الله من عنـد الذکر علی العالمین بلیغا همانا خدا مقدر کرده که این کتاب از نزد محمد پسـر حسن پسـر علی پسـر محمد پسـر علی پسر موسی پسر جعفر پسر محمد پسر علی پسر حسین پسر علی پسر ابی طالب بر بنده اش برون آورد تا از سوی ذکر (سید علی محمـد) حجت بالغه خدا بر جهانیان باشد.» (احسن القصـص، ص ۱). پس از مسافرت با محمـد علی بارفروش (یکی از مریدان خود) به سوی مکه و بازگشت به بوشـهر، دسـتور داد تا در یکی از مساجد بوشـهر عبارت «اشهد ان علیا قبل نبیل باب بقیه الله» را در

اذان داخل کننـد (نجفی، ص ۱۶۸) که تصـریح دارد علی نبیـل (که به حساب جمل با علی محمـد برابر می شود) باب امام دوازدهم شیعیان است. همین که مدتی از دعوت وی سپری شد و گروهی به او گرویدند، ادعای خود را تغییر داد و از مهدویت سخن به میان آورد و گفت: «منم آن کسی که هزار سال می باشد که منتظر آن می باشید» (حاجی میرزاجانی کاشانی، ص ۱۳۵) و سپس به ادعای نبوت و رسالت برخاست و به گمان خود، احکام اسلام را با آوردن کتاب بیان نسخ کرد و در آغاز آن نوشت: «در هر زمان خداونـد جل و عز، کتاب و حجتی از برای خلق مقدر فرموده و می فرماید در سنه هزار و دویست و هفتاد از بعثت رسول الله، کتاب را بیـان، و حجت را ذات حروف سبع (علی محمـد که دارای حروف سبع است) قرار داد» (بیان عربی، ص ۳). بدین ترتیب، علی محمـد هر چند زمانی، دعاوی خود را به مقامات بالاتری تغییر می داد و سخنان پیشین را برای یارانش تأویل می کرد و آنان را در پی خود می کشید. پس از بـازگشت سید علی محمـد به بوشـهر (در زمـانی که هنوز از ادعـای بـابیت امام زمان فراتر نرفته بود) به دستور والی فارس در رمضان ۱۲۶۱ دستگیر و به شیراز فرستاده شد. در شیراز او را تنبیه کردند، آن گاه نزد امام جمعه آن شهر، اظهـار توبه و نـدامت کرد و به قول یکی از موافقـان خود بر فراز منبر در حضور مردم گفت: «لعنت خـدا بر کسـی که مرا وکیل امام غائب بدانـد. لعنت خـدا بر کسـی که مرا باب امام بداند» (...اشـراق خاوری، ص ۱۴۱). پس از آن، شـش ماه در خانه پـدری خود تحت نظر بود و از آنجا به اصـفهان و سـپس به قلعه ماکو تبعیـد شـد. در دورانی که در آن قلعه زنـدانی بود، با مریـدانش ملاقات و مکاتبه داشت و از این که می شـنید آنان در کار تبلیغ دعاوی او می کوشـند به شوق می افتاد و سـخنانی را با عنوان کلمات الهی به مریدان عرضه می داشت، چنان که کتاب بیان را در همان قلعه نوشت (یزدانی، ص ۱۳). دولت محمد شاه قاجار، برای آن که پیوند او را با مریـدانش قطع کنـد در صـفر ۱۲۶۴ وی را از قلعـه مـاکو بـه قلعه چهریـق، در نزدیکی ارومیه، منتقـل کرد. در اواخر سـلطنت محمد شاه، به دستور حاجی میرزا آغاسی ـ وزیر محمد شاه ـ سید علی محمد را از قلعه چهریق به تبریز بردند و مجلسی را با حضور ناصـرالدین میرزا (که در آن وقت ولیعهد بود) و چند تن از علما ترتیب دادند و سیدعلی محمد را در آن مجلس حاضر کردند. علی محمد در آنجا آشـکارا از مقام مهدویت خود سـخن گفت و «بابیت امام زمان» را که پیش از آن به تصریح ادعا کرده بود به «بابیت علم خداونـد» تأویل کرد و چون از او در باره برخی مسائل دینی پرسـیدند، از پاسخ فرو ماند و همین که از وی سوال شد: از معجزه و کرامت چه داری؟ گفت: اعجاز من در این است که برای عصای خود آیه نازل می کنم و به خواندن این فقره آغاز نمود: بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله القدوس السبوح الذی خلق السموات و الارض کما خلق هذه العصا آیهٔ من آیاته، و اعراب کلمات را به نحو قاعـده نحو غلط خوانـد، زیرا تاء را در «السـموات» مفتوح قرائت کرد و چون گفتنـد: مکسور بخوان! ضاد را در الارض مکسور خوانـد! امیراصـلان خان که در مجلس حضور داشت گفت: اگر این قبیل فقرات از جمله آیات شـمرده شود، من هم می توانم تلفیق کنم و گفت: الحمـدلله الـذی خلق العصـا کمـا خلق الصـباح و المسـا (فاضـل مازنـدرانی، ظهـور الحق، ج ۳، ص ۱۴، تصویر نـامه ناصـرالدین میرزا به محمـد شـاه قاجـار). پس از آشـکار شـدن عجز سـید علی محمـد در اثبـات ادعـای خود، وی را چوب زده تنبیه نمودند و او از دعاوی خویش تبری جست و اظهار پشـیمانی کرد و خطاب به ولیعهد، توبه نامه رسمی نوشت. صورت توبه نامه علی محمـد را یکی از مریدانش در کتاب خود، چنین آورده است: فداک روحی، الحمد لله کما هو اهله و مستحقه که ظهورات فضل و رحمت خود را در هر حال بر کافه عباد خود شامل گردانیـده، فحمـدالله ثم حمدا که مثل آن حضـرت را ینبوع رأفت و رحمت خود فرموده که به ظهور عطوفتش عفو از بندگان و ستر بر مجرمان و ترحم به داعیان فرموده. اشـهدالله و من عنده که این بنده ضـعیف را قصـدی نیست که خلاف رضای خداونـد عالم و اهل ولایت باشد. اگر چه بنفسه، وجودم ذنب صـرف است ولی چون قلبم موقن به توحیـد خداونـد جل ذکره و به نبوت رسول او و ولایت اهل ولایت اوست و لسان مقر بر کل ما انزل من عنـد الله است. امید رحمت او را دارم و مطلقا خلاف رضای حق را نخواسته ام و اگر کلماتی که خلاف رضای او بود از قلم جاری شده، غرضم عصیان نبوده و در هر حال مستغفر و تائبم حضرت او را... و این بنده را مطلق علمی نیست که منوط به ادعایی باشد و استغفرالله ربی و اتوب الیه من

ان ینسب الی امر. و بعضی مناجات کلمات که از لسان جاری شده، دلیل بر هیچ امری نیست و مدعی نیابت خاصه حضرت حجه الله علیه السلام را محض ادعا مبطل است و این بنده را چنین ادعایی نبوده و نه ادعایی دیگر. مستدعی از الطاف حضرت شاهنشاهی و آن حضرت را چنان است که این دعاگو را به الطاف و عنایات سلطانی و رأفت و رحمت خود،سرفراز فرمایند». (گلپایگانی، ص ۲۰۴ – ۲۰۵). بدین سان سید علی محمد از دعاوی خود بازگشت ولی توبه او، صوری بود چنان که پیش از توبه اخیر، در شیراز نیز بر فراز منبر و در برابر مردم، نیابت و بابیت خود را انکار نمود اما چیزی نگذشت که ادعای بالاتری را به میان آورد و از پیامبری و رسالت خویش سخن گفت. در اواخر سلطنت محمد شاه و پس از مرگ او (۱۲۶۴) از سوی مریدان علی محمد، آشوب هایی در کشور پدید آمد که از جمله، رویداد قلعه شیخ طبرسی در مازندران بود. در این آشوب، جمعی از بابیان به رهبری ملاحسین بشرویه ای ملا محمد علی بارفروشی، قلعه طبرسی را پایگاه خود قرار دادند و اطراف آن خندق کندند و خود را برای جنگ با قوای دولتی آماده ساختند. از سوی دیگر بر مردم ساده دل که در پیرامون قلعه زندگی می کردند، به جرم «ارتداد» هجوم آورده به قتل غارت ایشان می پرداختند، به گونه ای که یکی از بابیان می نویسد: «جمعی رفتند و در شب یورش برده، ده را گرفتند و یک صد و سی نفر را به قتل رسانیدند. تتمه فرار نموده، ده را با حضرات اصحاب حق، خراب نمودند و آذوقه ایشان را جمیعا به قلعه بردند (حاجی میرزا جانی کاشانی، ص ۱۶۲) و چنین می پنداشتند که یاران مهدی موعودند و به زودی جهان را در تسخیر خود خواهند گرفت و بر شرق و غرب فرمانروایی می کنند؛ چنان که بابی مذکور می نویسد: «حضرت قدوس (محمد علی بارفروشی) می فرمودند که: ما هستیم سلطان به حق و عالم در زیر نگین ما می باشد و کل سلاطین مشرق و مغرب به جهت ما خاضع خواهند گردید» (همانجا). پس میان ایشان و نیروی دولتی جنگ در گرفت و فتنه آنان با پیروزی قوای دولت و کشته شدن ملامحمد علی بارفروشی در جمادی الثانی ۱۲۶۵ پایان گرفت. در زنجان نیز شورشی به سر کردگی ملا محمد علی زنجانی پدید آمد که به شکست بابیان انجامید. (۱۲۶۶) در تهران نیز گروهی از بابیان به رهبری علی ترشیزی بر آن شدند تا ناصرالدین شاه و امیرکبیر و امام جمعه تهران را به قتل رسانند، اما نقشه آنان کشف شد و ۳۸ تن از سران بابیان دستگیر و هفت تن از آنها کشته شدند. شگفت آنکه مریدان سید علی محمد در جنگ های قلعه طبرسی زنجان از مسلمانی دم می زدند و نماز می گزاردند و از «بابیت» سید علی محمد جانبداری می کردند (آیتی، ج ۱، ص ۱۹۵،۱۶۳) ظاهرا در آن هنگام هنوز ادعای مهدویت و نبوت وی بدیشان نرسیده بود. از این رو به اعتراف وقایع نگاران بابی، برخی از بابیان به محض این که در «بدشت» از ادعای مهدویت سید علی محمد و تغییر احکام اسلام با خبر شدند، به شدت از او روی گرداندند (همان،ج ۱، ص ۱۳۰). پس از مرگ محمد شاه و بالاـ گرفتن فتنه بابیه، میرزا تقی خان امیرکبیر ـ صدراعظم ناصرالدین شاه ـ مسامحه در کار سید علی محمد باب را روا ندید و تصمیم گرفت او را در ملاءعام به قتل رساند و از این راه، آتش شورشها را فرونشاند و برای این کار، از برخی علما فتوا خواست. ولی به گفته ادوارد براون: «دعاوی مختلف و تلون افکار و نوشته های بی مغز و بی اساس و رفتار جنون آمیز او علما را بر آن داشت که به علت شبهه خبط دماغ، بر اعدام وی رأی ندهند» (نجفی، ص ۲۵۲). با وجود این، برخی از علما که احتمال خبط دماغ را درباره سید علی محمد را نمی دادند و او رامردی دروغگو و ریاست طلب می شمردند به قتل وی فتوا دادند و سید علی محمد به همراه یکی از پیروانش در ۲۷ شعبان ۱۲۶۶ در تبریز تیرباران شد.

عقاید

سید علی محمد باب از آغاز دعوت خود، عقاید و آرای متناقضی ابراز داشت، آن چه از مهم ترین کتاب او نزد پیروانش، یعنی کتاب بیان، فهیمده می شود آن است که وی خود را برتر از همه انبیاء الهی می انگاشته و مظهر نفس پروردگار می پنداشته است (بیان عربی. ص ۱) و عقیده داشته که با ظهورش، آیین اسلام منسوخ و قیامت موعود در قرآن، به پا شده است (لوح هیکل الدین،

ص ۱۸). به علاوه، سید علی محمد خود را مبشر ظهور بعدی شمرده و او را (من یظهره الله) خوانده است و در ایمان پیروانش بدو، تأکید فراوان دارد (بیان عربی. ص ۵-۶). سید علی محمد در حقانیت این آراء پافشاری نموده و نسبت به افرادی که بابی نباشند، خشونت بسیاری را سفارش کرده است. چنان که در الواح بیان، در باره وظیفه اولین فرمانروای بابی، می گوید: «لا تذر (کذا) فوق الارض اذاستطاع احدا غیر البابیین» (لوح هیکل الدین، ص ۱۵) چون (فرمانروای بابی) توانایی یافت، هیچ کس – جز بابیها – را بر روی زمین باقی نگذارد» و در بیان فارسی فرمان می دهد که همه کتابها را محو و نابود کنند جز کتبی که درباره آیین وی پدید آمده یا می آید (ص ۱۹۸) و هم چنین تأکید کرده است که پیروانش جز کتاب بیان و آن چه بدان وابسته می شوند، نیاموزند (بیان عربی، ص ۱۵). افکار سید علی محمد باب، مجموعه ای از برخی آرای شیخیان و باطنیان (تأویل گرایان) و صوفیان و کسانی که به علم حروف و اعداد گرایش داشته اند و پاره ای از دعاوی شخصی بوده است.

آثار

سید علی محمد باب آثاری چند از خود به جای نهاده که برخی از آنها چاپ شده و پاره ای دیگر به دلیل کشاکشهای داخلی میان پیروانش هنوز به چاپ نرسیده است. جز آثاری که پیش از این نام بردیم برخی از کتابهای دیگر او عبارت اند از: پنج شأن، دلائل السبعه، صحیفه عدلیه، تفسیر سوره کوثر، تفسیر سوره ی بقره، قیوم الأسماء، کتاب الروح. آثار سید علی محمد باب غالبا به زبان عربی نوشته شده و مملو از اغلاط صرفی و نحوی است. البته وی کوشیده – برای آن که نشان دهد سخنانش رنگ قرآنی دارد – گفتارش را با سجع و وزن همراه سازد و با آن که تنها معجزه خود را همین سخنان می شمارد (بیان عربی، ص ۲۵) تکلف و ابتذال در عباراتش سخت آشکار است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایـانه هـا ایجـاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشـر معارف، سـرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمنـدان به نرم افزار های علوم اسـلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سـهولت رفع ابهام و شـبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشـر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکـاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مـذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹